

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده اصول الدین
USUL AL DEEN COLLEGE

غیر دولتی - غیر انتفاعی

دانشکده اصول الدین قم
گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی
کارشناسی ارشد

عنوان:

**بررسی فقهی حقوقی تولید و فروش محرّمات و نجاسات به کفار با
تکیه بر فقه حکومتی**

استاد راهنما:

دکتر سید محمد هادی حجازی

نگارش:

محبوبه جلولی

تابستان ۱۳۹۶



کلیه اصول الدین - قم
قسم. الفقه و المبانى الحقوق.
رساله ما جستیر

المراجعة القانونية الفقهية لإنتاج وبيع الكفار من الكفر والإهمال من خلال الاعتماد على فقه الحكومة

المشرف:

الدكتور سيد محمد هادی حجازی

اعداد:

محبوبه جلولى

صيف ۱۴۳۷

تقدیم

تقدیم به مهربان فرشتگانی که:

لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام

تجربه های یکتا و زیبای زندگی، مدیون حضور سبز آنهاست

تقدیم به خانواده عزیزم.

تشکر

تشکر از استاد گران قدرم جناب دکتر سید محمد هادی حجازی
که این پژوهش جز در سایه‌ی کمک و لطف او به ثمر نمی‌نشست.

چکیده

بررسی حکم فقهی خرید و فروش محرمت یکی از مباحث ضروری جامعه‌ی ما در عصر حاضر است که کار فقهی گسترده‌ای را می‌طلبد، لذا وظیفه‌ی فقها و حقوق دانان که در زمان فعلی باعث افزایش معاملات به خصوص در سطح بین‌المللی شده است؛ این است که به این امر مهم و اساسی توجه کنند و حکم فقهی و حقوقی را برای مردم بیان کنند، تا در معاملات به حرام نیفتند. در دین اسلام از آغاز بعثت، حکم تحریم خرید و فروش محرمت در علم الهی مقدر و مقرر بوده است، هدف از نوشتار حاضر بررسی حکم اکتساب، بهره‌وری و انتفاع از محرمت می‌باشد، در این پژوهش حرمت معامله با اعیان نجس، حکم خرید فروش خون، مردار، سگ و ... الات قمار، مشروبات الکلی و هم چنین بررسی آرای قابل توجهی از فقها در حرمت خرید و فروش اعیان نجسه و استثنا کردن برخی موارد و نیز ادله‌ی قرآنی، روایی، عقلی، اجماعی و حقوقی و ... مطرح شده است. تحلیل مساله بیانگر این است که خرید و فروش اعیان نجسه باطل و حرام است، اکثر فقهای امامیه نیز این مطلب را تایید و هرگونه استفاده و معامله‌ی با عین نجس و محرمت را حرام دانسته‌اند مگر در مواردی که منفعت حلال و عقلایی داشته باشد مانند خون که در آن صورت حکم به جواز آن شده است.

کلمات کلیدی: فقه امامیه، خرید و فروش و تولید، معامله‌ی حرام، محرمت، کفار، منفعت

عقلایی، فقه حکومتی.

فهرست مطالب

- ۱-۱. مقدمه..... ۱
- ۱-۱-۱. بیان مسأله تحقیق..... ۱
- ۱-۱-۲. بیان جنبه های مجهول و مبهم مسأله:..... ۱
- ۱-۱-۳. سوالات تحقیق..... ۱
- ۱-۱-۴. بیان اهمیت موضوع/مسأله/متن:..... ۵
- ۱-۱-۵. فرضیه ها و نظریه های بدوی تحقیق (به صورت جمله های خبری و کامل ویژه ی مسأله پژوهشی)..... ۵
- ۱-۱-۶. بیان جنبه های نوآوری و جدید بودن طرح:..... ۶
- ۱-۱-۷. نتایج علمی و عملی تحقیق:..... ۶
- ۱-۱-۸. هدف از تحقیق:..... ۶
- ۱- فصل اول: کلیات و مفاهیم اساسی ۹**
- ۱-۱. مصالح و مفاسد شرعی و حکومتی در محرمات و نجاسات..... ۹
- ۱-۱-۱. مفاهیم وابسته در فقه حکومتی ۱۰
- ۱-۱-۱-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی ۱۰
- ۱-۱-۱-۱-۱. مفهوم لغوی فقه ۱۰
- ۱-۱-۱-۱-۲. مفهوم اصطلاحی فقه ۱۰
- ۱-۱-۱-۲. چرایی..... ۱۱
- ۱-۱-۱-۲-۱. تفاوت موضوعات حکومتی با موضوعات فردی..... ۱۱
- ۱-۱-۱-۲-۲. ناکارآمدی فقه فردی در بیان احکام موضوعات حکومتی..... ۱۲
- ۱-۱-۱-۳. چیستی..... ۱۳
- ۱-۱-۱-۳-۱. از لحاظ محصول..... ۱۳
- ۱-۱-۱-۳-۲. از لحاظ موضوع..... ۱۳
- ۱-۱-۱-۳-۳. از لحاظ مکلف..... ۱۴
- ۱-۱-۱-۳-۴. از لحاظ تکلیف..... ۱۵

- ۱-۱-۱-۱-۳-۵. از لحاظ ارکان و مقومات ۱۵
- ۱-۱-۱-۱-۳-۶. از لحاظ مبادی و مقدمات ۱۶
- ۱-۱-۱-۱-۴. چگونگی ۱۶
- ۱-۱-۲. مفهوم نجاست ۱۷
- ۱-۱-۲-۱. معنای نجس (با فتح جیم) ۱۷
- ۱-۱-۲-۲. مفهوم نجس در دیدگاه عرف ۱۷
- ۱-۱-۲-۳. مفهوم نجس در دیدگاه شرع ۱۸
- ۱-۱-۲-۴. مفاهیم مرتبط با کلمه‌ی نجس در قرآن ۱۹
- ۱-۱-۳. اقسام نجاسات از نظر فقهای شیعه ۲۰
- ۱-۱-۳-۱. شیخ طوسی رحمته الله ۲۰
- ۱-۱-۳-۲. علامه حلی رحمته الله ۲۰
- ۱-۱-۳-۳. مرحوم خوئی رحمته الله ۲۰
- ۱-۱-۳-۴. محمد تقی بهجت رحمته الله ۲۱
- ۱-۱-۳-۵. مرحوم منتظری رحمته الله ۲۲
- ۱-۱-۳-۶. امام خمینی رحمته الله ۲۳
- ۱-۱-۴. مفهوم حرام ۲۳
- ۱-۱-۴-۱. معنای لغوی حرام ۲۳
- ۱-۱-۴-۲. معنای اصطلاحی حرام ۲۴
- ۱-۱-۴-۳. کاربرد حرام در قرآن ۲۴
- ۱-۱-۵. مفهوم و معنای کافر ۲۵
- ۱-۲. مبانی فقهی تولید و فروش محرّمات ۲۶
- ۱-۲-۱. خرید و فروش خون ۲۶
- ۱-۲-۲. دیدگاه فقهای امامیه در حرمت خرید و فروش خون ۲۷
- ۱-۲-۲-۱. دیدگاه علامه حلی رحمته الله ۲۷
- ۱-۲-۲-۲. دیدگاه شیخ انصاری رحمته الله ۲۸
- ۱-۲-۲-۳. دیدگاه محقق ایروانی ۲۸
- ۱-۲-۲-۴. دیدگاه مرحوم خوئی رحمته الله ۲۸
- ۱-۲-۲-۵. دیدگاه مرحوم امام خمینی رحمته الله ۲۹

- ۳۰-۲-۱. ادله‌ی فقها در حرمت خرید و فروش خون..... ۳۰
- ۳۰-۲-۱-۳-۱. کتاب..... ۳۰
- ۳۱-۲-۳-۲. سنّت..... ۳۱
- ۳۲-۲-۳-۳. اجماع..... ۳۲
- ۳۳-۲-۳-۴. نداشتن مالیت..... ۳۳
- ۳۴-۲-۴. خرید و فروش مردار..... ۳۴
- ۳۴-۲-۴-۱. دیدگاه فقهای امامیه در خرید و فروش مردار..... ۳۴
- ۳۵-۲-۴-۱-۱. دیدگاه شیخ طوسی رحمته الله..... ۳۵
- ۳۵-۲-۴-۱-۲. دیدگاه مرحوم نراقی رحمته الله..... ۳۵
- ۳۵-۲-۴-۱-۳. دیدگاه شیخ انصاری رحمته الله..... ۳۵
- ۳۵-۲-۴-۲-۱. ادله‌ی فقها در خرید و فروش مردار..... ۳۵
- ۳۵-۲-۴-۲-۱-۱. آیات:..... ۳۵
- ۳۷-۲-۴-۲-۲. قاعده حرمت نجاست..... ۳۷
- ۴۰-۲-۴-۳. دلایل اجماع..... ۴۰
- ۴۰-۲-۴-۳-۱. دیدگاه مرحوم نراقی رحمته الله..... ۴۰
- ۴۰-۲-۴-۳-۲. دیدگاه شیخ انصاری رحمته الله..... ۴۰
- ۴۰-۲-۴-۳-۳. دیدگاه مرحوم نائینی رحمته الله..... ۴۰
- ۴۱-۲-۴-۳-۴. دیدگاه امام خمینی رحمته الله..... ۴۱
- ۴۱-۲-۴-۳-۵. دیدگاه مرحوم خوئی رحمته الله..... ۴۱
- ۴۲-۲-۴-۴. خرید و فروش جسد اموات برای تشریح..... ۴۲
- ۴۳-۲-۵. خرید و فروش عذره و بول..... ۴۳
- ۴۳-۲-۶. خرید و فروش سگ و خوک..... ۴۳
- ۴۴-۲-۶-۱. علت عدم ذکر کلب در قرآن..... ۴۴
- ۴۴-۲-۶-۲. ادله‌ی حرمت خرید و فروش سگ..... ۴۴
- ۴۴-۲-۶-۲-۱. دیدگاه فقهای امامیه در خرید و فروش سگ..... ۴۴
- ۴۶-۲-۷. خرید و فروش اعضای بدن میت..... ۴۶
- ۴۶-۲-۷-۱. ادله‌ی کسانی که حکم به عدم جواز فروش اعضاء دادند..... ۴۶
- ۴۸-۲-۷-۲. خرید و فروش اعیان نجس باطل است..... ۴۸

۴۸.....	۸-۲-۱ دیدگاه دوم (جواز فروش).....
۴۸.....	۱-۸-۲-۱. ادله‌ی کسانی که جواز به فروش اعضا دادند.....
۴۸.....	۱-۱-۸-۲-۱. اصل عملی.....
۴۹.....	۲-۱-۸-۲-۱. بنای عقلا.....
۴۹.....	۳-۱-۸-۲-۱. دلیل خاص.....
۴۹.....	۴-۱-۸-۲-۱. دیدگاه سوم (قابلیت فروش بر مبنای حق تصرف).....
۵۰.....	۹-۲-۱. خرید و فروش خمر.....
۲- فصل دوم: حکم فقهی تولید و فروش محرّمات از نگاه فقه و حقوق..... ۵۵	
۵۵.....	۱-۲. تولید محرّمات.....
۵۵.....	۱-۱-۲. حکم فقهی تولید محرّمات.....
۵۵.....	۱-۱-۱-۲. یک تحلیل کلی فقهی - حقوقی.....
۵۹.....	۲-۲. فروش محرّمات.....
۵۹.....	۱-۲-۲. حکم فقهی خرید و فروش محرّمات از دیدگاه مراجع تقلید شیعه.....
۶۲.....	۲-۲-۲. در نظر فقهای اهل سنت.....
۶۲.....	۱-۲-۲-۲. فقه حنفی.....
۶۳.....	۲-۲-۲-۲. فقه شافعی.....
۶۴.....	۳-۲-۲-۲. فقه مالکی.....
۶۵.....	۴-۲-۲-۲. فقه حنبلی.....
۶۵.....	۳-۲-۲. نظر فقهای کنفرانس اسلامی.....
۶۶.....	۴-۲-۲. نظر فقهای الازهر.....
۶۷.....	۵-۲-۲. جمع‌بندی آرای فقهای اهل سنت.....
۶۷.....	۱-۵-۲-۲. نقد و بررسی آرای اهل سنت.....
۶۸.....	۲-۵-۲-۲. مقایسه اجمالی آرای فقهای شیعه و سنی.....
۶۸.....	۶-۲-۲. ادله قائلین به حرمت استعمال (در قالب یک مصداق).....
۶۸.....	۱-۶-۲-۲. تنقیح مناط قطعی حرمت مسکرات.....
۷۱.....	۲-۶-۲-۲. قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام.....
۷۴.....	۳-۶-۲-۲. آیه مربوط به حلیت طیبات و حرمت خبائث.....

- ۷۴.....۲-۲-۴. آیه شریفه «و یسالونک عن الخمر...».....
- ۷۵.....۲-۲-۵. فساد اجتماعی.....
- ۷۶.....۲-۲-۶. حرمت اسراف و تبذیر در عمر و مال.....
- ۷۷.....۲-۲-۷. قاعده حرمت مقدمه حرام.....
- ۷۷.....۲-۲-۸. قاعده نفی سییل.....
- ۷۸.....۲-۲-۹. روایات.....
- ۷۹.....۲-۲-۷. حکم حقوقی خرید و فروش محرّمات.....
- ۷۹.....۲-۲-۱-۷. حرمت تکلیفی یا وضعی در بیع نجاسات.....
- ۸۵.....۲-۲-۷-۲. خرید و فروش محرّمات در قوانین موضوعه.....

۳- فصل سوم: حکم فقهی تولید و فروش نجاسات به کفار از نگاه فقه حکومتی..... ۸۹

- ۸۹.....۳-۱. مبحث اول: مبانی کلی فقهی و حقوقی نهی معاملات (اعم از تولید و فروش) برای کفار.....
- ۹۰.....۳-۱-۱. حکم فقهی.....
- ۹۰.....۳-۱-۲. ادله قاعده نفی سییل.....
- ۹۱.....۳-۱-۲-۱. مبانی منطقی تفاوت مسلم و کافر.....
- ۹۲.....۳-۱-۲-۲. رابطه قاعده نفی سییل با قاعده عدالت.....
- ۹۳.....۳-۱-۲-۳. رابطه قاعده نفی سییل با قاعده تقیه.....
- ۹۴.....۳-۱-۲-۴. رابطه قاعده نفی سییل با قاعده ولایت و مصلحت نظام.....
- ۹۴.....۳-۱-۲-۵. قاعده نفی سییل در فقه شیعه.....
- ۹۵.....۳-۱-۳. حکم حقوقی.....
- ۹۵.....۳-۱-۳-۱. رابطه قاعده نفی سییل با قواعد حقوقی.....
- ۹۵.....۳-۱-۳-۱-۱. تحلیل ویژگی های قاعده نفی سییل.....
- ۹۸.....۳-۱-۳-۱-۲. کاربرد قاعده نفی سلطه در حقوق ایران.....
- ۹۹.....۳-۱-۳-۱-۳. نظریه شماره ۷/۳۳۹۶ مورخ ۶۲/۸/۷ اداره حقوقی.....
- ۱۰۰.....۳-۱-۳-۱-۴. نظریه مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۹.....
- ۱۰۰.....۳-۱-۳-۱-۵. رأی شماره ۳۳/۵۰۰ مورخ ۷۳/۸/۲۳ دیوان عالی کشور.....
- ۱۰۰.....۳-۲. حکم فقهی و حقوقی تولید فروش نجاسات به کفار.....
- ۱۰۰.....۳-۲-۱. حکم فقهی فروش محرّمات.....

۱۰۱.....	۳-۲-۱-۱. معامله عین نجس.....
۱۰۲.....	۳-۲-۱-۲. معامله شیء متنجس.....
۱۰۵.....	۳-۲-۱-۳. نقد و بررسی صدق اعانه در ترانزیت کالاهای حرام به کافران.....
۱۰۶.....	۳-۲-۲. حکم حقوقی فروش محرّمات به کفار.....
۱۰۷.....	۳-۲-۲-۱. مشروبات الکلی داخلی و خارجی.....
۱۰۹.....	۳-۲-۲-۲. آلات قمار.....
۱۰۹.....	۳-۲-۳. مبانی داد و ستدها در اسلام و بین کفار.....
۱۱۰.....	۳-۲-۳-۱. برابری با مبانی داد و ستد در شریعت اسلامی.....
۱۱۱.....	۳-۲-۳-۲. سیره معصومان.....
۱۱۴.....	۳-۲-۴. بند سوم-استثناها.....
۱۱۴.....	۳-۲-۱-۲. قواعد کلی.....
۱۱۸.....	۳-۲-۱-۲. موارد استثنا.....
۱۲۸.....	۳-۳. جمع بندی مباحث.....
۱۳۱.....	۳-۴. نتیجه گیری.....
۱۳۶.....	۴- استفتائات کلی
۱۵۱.....	۴-۱. منابع و مآخذ.....
۱۵۱.....	۴-۱-۱. کتاب ها:.....
۱۵۴.....	۴-۱-۲. مقالات.....
۱۵۵.....	۴-۱-۳. سایتها:.....

۱-۱. مقدمه

۱-۱-۱. بیان مسأله تحقیق

معرفی دقیق مسأله همراه با تشریح ابعاد و حدود آن:

در این رساله بحث از حکم فقهی و حقوقی تولید و فروش محرّمات و نجاسات به کفار در فقه حکومتی می‌باشد به این معنی که از نظر فقه امامیه و حقوق موضوعه چه حکمی دارد. وجه شرایطی را باید دارا باشند تا احکام فقهی بر آن بار شود.

۱-۱-۲. بیان جنبه های مجهول و مبهم مسأله:

با توجه به اینکه بسیاری از موضوعات مربوطه به این مسأله از قدیم الایام مورد بحث واقع شده ولی موضوعات جدیدی بالاخص از دید حقوقی هم وجود دارد که باید حکم آنها مورد بررسی قرار گیرد و حکم آنها خارج شود.

۱-۱-۳. سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق:

حکم فقهی و حقوقی تولید و فروش محرّمات و نجاسات به کفار از دیدگاه فریقین چیست؟

سوالات فرعی تحقیق:

۱- شرایط فروش محرّمات و نجاسات به کفار چیست؟

۲- احکام فقهی مترتب به فروش نجاسات و محرّمات به کفار چیست؟

۳- احکام حقوقی مترتب بر فروش نجاسات و محرّمات به کفار چیست؟

۴- آیا بین کفار حربی و کفار ذمی تفاوت وجود دارد؟

- معرفی اهم کتبی که با این عنوان یا عناوین مشابه در این موضوع نوشته شده است؟

کتاب خاصی در مورد این موضوع به چاپ نرسیده است.

موضوع این تحقیق از صدراسلام وجود داشته و در آیات و روایات اهل بیت هم به آن اشاره شده است و علماء هم در کتب فقهی. از آن بحث کرده اند ولی از آنجا که به صورت مستقل تحت عنوان رساله از آن بحث نشده است لذا این نیاز احساس میشود که این موضوع به صورت مستقل بحث شود.

- معرفی پایان نامه هایی که با این عنوان یا عناوین مشابه در این موضوع نوشته شده است.

مبحث حرمت اعیان نجسه از صدر اسلام از سوی پیامبر ﷺ تشریح شده است، از جمله در کتب فقهی معتبر شیعه مثل مقنع شیخ صدوق، خلاف شیخ طوسی، تذکره‌ی علامه حلی، لمعه‌ی دمشقیه شهید ثانی، جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی، تحریر الوسیله امام خمینی، متاجر محمدحسن مرعشی و... به این مسأله پرداخته شده است.

شیخ طایفه قایل به این مطلب است که مردار که یکی از اعیان نجس است مالکیت آور نیست پس اگر دیگر اعیان نجسه مورد بیع قرار گیرند چون مالکیت آور نیستند و یکی از شرایط صحت بیع ایجاد ملکیت برای بایع و خریدار می‌باشد و در چنین حالتی که مالکیت وجود ندارد بیع باطل و حرام است.^۱

علامه حلی به تبع اینکه خرید و فروش اعیان نجسه را حرام دانست خون را نیز که یکی از اعیان نجسه است حرام می‌داند وی معتقد است همه‌ی خون نجس و خرید و فروشش حرام است و هم چنین خون‌های غیر نجس را نیز حرام می‌داند ایشان فرقی بین خون پاک و نجس نگذاشته و خرید و فروش همه را حرام دانسته است.^۲ در کتاب تبصره المتعلمین فی احکام الدین آمده، کسب مال از اعیان نجسه یعنی کسب‌هایی که از نظر شرعی حرام و تحصیل درآمد از طریق آن‌ها جایز نیست، مثل خرید و فروش مردار، غائط و خون، (مگر اینکه برای منفعت عقلایی باشد مثل فروش خون برای تزریق به بدن فردی برای احیای او) مثل خرید و فروش شراب و مسکرات و... حرام‌اند و تنها دلیل را روایت تحف العقول می‌دانند.^۳

شهید ثانی نیز به طور مختصر به این بحث پرداخته، کسب و تجارت انواع بسیاری دارد که یکی از آن‌ها تجارت حرام است که شامل خرید و فروش اعیان نجسه می‌شود، خرید و فروش اعیان نجسه حرام است چه منفعت حلال و عقلایی داشته باشد و چه بدون منفعت حلال باشد (مثل خرید و فروش خون هر چند که منفعتی که در حکم منفعت است و منفعت حقیقی نیست برای آن فرض شود مثل رنگرزی)، ولی باز هم خرید و فروشش حرام است، یا مردار و اجزایی از مردار که در آن‌ها حیات حلول کرده و خوک و سگ که در خشکی زندگی می‌کنند، با تمام اقسامشان به استثنای سگ

۱. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. حلی، مختلف الشیعه، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. حلی، نهاییه الاحکام، ج ۲، ص ۱۳.

شکاری و سگ گله و سگ زراعت و باغ و بستان، خرید و فروششان حرام و باطل است.^۱

ان الله اذا حرم شيئاً حرم ثمنه

خداوند اگر شیئی را حرام کند ثمن آن را هم حرام می‌کند.

خود این اجمالاً یک ضابطه است. که اگر چیزی حرام شد، مثل خمر، خنزیر، دم، ثمن آن هم حرام است. **اذا حرم شيئاً**، در این که مراد از این کلمه شیء فقط اعیان است یا این که علاوه بر اعیان اعمال را هم شامل می‌شود، اختلافی است که باید روی آن بحث شود. بالاخره این روایت، روایتی است که به ما ضابطه می‌دهد؛ که اگر شیئی حرام شود معامله بر روی آن شیء هم باطل و حرام است.

مرحوم آقای خوئی کلامی را فرمودند در روایت کلمه اکل وجود دارد و در نتیجه روایتی که کلمه اکل ندارد، روایت نیست. مقصود شریف ایشان این است که اصل روایت «ان الله اذا حرم اکل شیء حرم ثمنه» است. در نتیجه اصلاً اگر از ایشان سؤال کنند که آیا چنین روایتی داریم؟ می‌فرمایند نه، اصلاً چنین روایتی نداریم. بیان ایشان چیست؟ می‌فرمایند اولاً: اتحاد قضیه در جمیع این روایات، وقتی به منابع مراجعه می‌کنیم، قضیه یکی است، یعنی همه متعلق به قضیه‌ای بوده است که پیامبر در مسجد نشسته اند و این را فرموده اند. در دو جا که نبوده، بله؛ یک وقتی کسی می‌گوید پیامبر در مسجد فرمودند «ان الله اذا حرم اکل شیء حرم ثمنه»، یک جای دیگر کلی تر فرمودند «ان الله اذا حرم شيئاً حرم ثمنه» می‌فرمایند دو قضیه که نبوده، یک قضیه بوده است. بعد فرمودند ثانیاً «واطباق اصول حدیثهم علی ذکر لفظ الاکل» اجماع و اتفاق اصول حدیث عامه، یعنی کتب روایی عامه بر ذکر لفظ اکل، اتفاق دارد.^۲

نکته‌ای که وجود دارد این است که مرحوم آقای خوئی فرموده اند: حتی اگر روایت بدون کلمه اکل هم باشد، قابل استدلال نیست، چون روایت مرسل است و در اینجا انجباری وجود ندارد. انجبار یعنی عمل فقها انجبار یعنی شهرت بین فقها، یعنی فقها در فتوایشان به این روایت استناد کرده اند. وقتی می‌گویند شهرت جابر ضعف سند است، یعنی مشهور فقها به روایت ضعیفه استدلال کنند وگرنه اگر فقها فتوایی بدهند و در فتوایشان به دلیل دیگری استدلال کنند، آن دیگر فایده‌ای ندارد. اما اگر آمدند به خصوص این روایت استدلال کردند این حجیت دارد و جابر ضعف سند است.^۳

۱. شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۱، ۱۳۸۳، ص ۴۸۵.

۲. خوئی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۴۸.

۳. سایت ایت الله محمد جواد فاضل لنکرانی (ره). <http://fazellankarani.com/persian/lesson/>.

همچنین صاحب جواهر با توجه به روایت « ان الله اذا حرم شیئا حرم ثمنه » استدلال نموده که چون اعیان نجسه حرام‌اند پس خرید و فروش و بیع آن‌ها نیز حرام است و از مفهوم مخالف این حدیث نبوی چنین فهمیده می‌شود که هر چیزی که در ردیف اعیان نجس باشد بیع آن نیز به تبع آن حرام است.^۱

امام خمینی به معرفی اعیان نجسه و سپس به حرمت خرید و فروش آن‌ها اشاره کردند، ایشان فرمودند از میان نجاسات فرقی بین کافر نیست، و کافر هر کسی که باشد نجس است، و از سگ‌ها، سگ خشکی نجس است و فرقی بین خوک اهلی و وحشی نیست، و خرید و فروش این‌ها حرام است.^۲

ولی تا کنون پایان نامه با چنین موضوع و حتی مشابه آن به چاپ نرسیده است.

ادله اعتبار قاعده:

۱. این روایت متنهای مختلفی دارد:

إن الله إذا حرم شیئا حرم ثمنه

لا یحل ثمن شیء لا یحل أكله و شربه

وإن الله إذا حرم علی قوم أكل شیء حرم علیهم ثمنه

إن الذی حرم شربها حرم بیعها .

إنَّ الذی حَرَّمَ شُرْبَهَا حَرَّمَ ثَمَنَهَا

در روایات فوق تعابیر هم‌سان نیستند و در آنها ۱. ملازمه میان حرمت شرب و حرمت ثمن یا حرمت بیع آن، ۲. ملازمه میان حرمت اکل و حرمت ثمن و ۳. ملازمه میان حرمت هر چیز و حرمت ثمن آن مطرح شده است. ملازمه سوم دامنه وسیعتری داشته و دربرگیرنده ملازمه‌های اول و دوم نیز هست. دو ملازمه اول از ادله بیشتری برخوردارند ولی به نظر می‌رسد ملازمه کلی‌تر یعنی ملازمه میان حرمت شیء و حرمت ثمن قابل اثبات باشد. زیرا:

الف. ظاهر از مجموعه بیانات فوق همین ملازمه اخیر است؛ این ظهور مجموعی همانند ظهور حاصل از یک بیان حجت بوده و قابل اسناد و استناد است. برای اثبات ظهور مجموعی باید صدور تعدادی از روایات ثابت کرد و سپس با در کنار هم نهادن مضامین صادره به این پرسش پاسخ داد که مخاطب با شنیدن ملازمه‌های فوق به چه چیزی منتقل می‌شود. البته این انتقال می‌تواند در حد اشعار

۱. نجفی، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، ج ۲۲، ۱۳۷۵، ص ۱۰

۲. خمینی، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۱۰۲.

باشد و می‌تواند به سر حد ظهور برسد. هر یک از ملازمه‌های فوق مستندات روایی کافی دارند؛ حرمت ثمن به جهت حرمت اکل و حرمت شرب که مستندات متعددی دارد و حرمت الشیء هم خود مستنداتی دارد و هم روایات قبلی شاهد و مویدی بر آن است.

ب. در این روایات قرینه‌ای بر اختصاص به مورد وجود ندارد بلکه قرائن داخلی و خارجی هر نوع خصوصیت در اکل یا شرب یا شرب خمر را نفی می‌کند؛ در هیچیک از روایات فوق بیانی یا قرینه‌ای نمی‌توان یافت که این احتمال را ایجاد کند که حکم مخصوص به مورد شرب یا اکل بوده و الغاء خصوصیت ادعایی غیر عرفی نباشد. در روایات خمر یا خرید و فروش گوشت حرام هیچ اشاره‌ای به خصوصیت یا بزرگی مفسده‌ی این اعمال نشده و فقط حرمت معامله و تصرف در ثمن را معلل به حرمت استفاده حرام - شرب یا اکل محرم - کرده است.

۲. اصطیاد و استظهار قاعده از روایات ابواب مختلف مکاسب محرمه؛ این قاعده از مجموع روایات ابواب مختلف مکاسب محرمه نیز قابل استظهار است؛ مروری بر روایات وارده در ابواب مختلف نشان می‌دهد که ثمن معامله در صورتی که در برابر کار حرامی قرار بگیرد تحریم است. البته گاه از تعابیر تنیدی در خصوص این معامله استفاده شده است که به جهت نقشی است که کالا کردن محرمان در ترویج آنها دارد.^۱

۱-۱-۴. بیان اهمیت موضوع/مساله/متن:

۱- این رساله از حیث نظریه پردازی، در بردارنده مباحث علمی مفید برای پژوهشگران میباشد از جمله مباحث قرآنی، حدیثی، فقهی، حقوقی..

۲- از حیث کاربردی در جامعه بسیار حایز اهمیت است چرا که بیع محرمان و نجاسات مبتلا به جامعه است..

۳- همچنین برای مراکز علمی و پژوهشی مفید فایده است چرا که میتوانند برای تحقیقات دیگر از این پژوهش استفاده کنند.

۱-۱-۵. فرضیه ها و نظریه های بدوی تحقیق (به صورت جمله های خبری و کامل ویژه‌ی مساله پژوهشی)

اگر برای نجاسات و محرمان منفعت حلال تصور شود بیع آنها به کفار مشکل ندارد، بلکه بعید نیست از ادله شرعیه بتوان استفاده کرد که حتی اگر منفعت محله برای نجاسات و محرمت تصور

1 . <http://amirghanavi.blogfa.com/post/۲۹> .

نشود باز هم بیع آنها به مستحلین آنها جایز باشد.

۱-۱-۶. بیان جنبه های نوآوری و جدید بودن طرح:

این رساله از حیث کاربردی در جامعه بسیار حائز اهمیت است چرا که بیع محرّمات و نجاسات مبتلا به جامعه است و همچنین برای مراکز علمی و پژوهشی مفید فایده است چرا که می‌توانند برای تحقیقات دیگر از این پژوهش استفاده کنند..

۱-۱-۷. نتایج علمی و عملی تحقیق:

۱- این رساله از حیث نظریه پردازی، در بردارنده مباحث علمی مفید برای پژوهشگران میباشد از جمله مباحث قرآنی، حدیثی، فقهی، حقوقی..

۲- از حیث کاربردی در جامعه بسیار حائز اهمیت است چرا که بیع محرّمات و نجاسات مبتلا به جامعه است..

۳- همچنین برای مراکز علمی و پژوهشی مفید فایده است چرا که میتوانند برای تحقیقات دیگر از این پژوهش استفاده کنند

۱-۱-۸. هدف از تحقیق :

انسان پس از ایمان به خداوند متعال و شریعت آسمانی اسلام و احساس مسئولیت در برابر پروردگار، از آن جا که در امتثال اوامر و اجتناب نواهی، خود را بنده خداوند می‌شمرد، لذا بر خود لازم می‌داند که رفتار و کردار خود را در همه جنبه‌های زندگی بر اساس قانون آسمانی و شریعت اسلام انجام دهد. و عقل و اندیشه‌اش او را و می‌دارد که در همه تصرفات فردی و اجتماعی خود، تنها بر اساس آن شریعت حکم کند، بدین معنی که خود را ملزم بداند که همواره از وظیفه‌ای که دین او عمل بدان را فرمان داده است پیروی نماید، در این که فلان کار را انجام دهد یا ترک کند، و این که بر طبق این روش قدم بردارد یا آن شیوه، باید ببیند که مکتب و مذهبش چه حکمی دارد، و چه وظیفه‌ای برای او تعیین کرده است. اگر دین او عملی را تجویز می‌کند انجام دهد، و اگر او را از کاری باز می‌دارد، به ترک آن کار همت کند. اگر به او اجازه می‌دهد که در کاری تصرف کند، جایز است انجام دهد و اگر از دخالت در آن نهی می‌کند از انجام آن باز بماند.

از آن جا که اوامر و نواهی شریعت در همه‌ی وقایع و رویدادها واضح و مشخص نبوده، بنابراین تعیین وظیفه انسان در برابر شریعت آسمانی، نیازمند بحث علمی دقیق و بررسی گسترده‌ای بوده است. و اگر وظیفه افراد امر روشن و واضحی بود هر گز نیاز به مطالعه و بررسی نداشت، و دست یافتن به آن برای هر فرد، امر سهل و آسانی به شمار می‌رفت. ولی علل و اسباب گوناگون باعث

شده است که بسیاری از احکام فقهی و شرعی دقیقاً واضح نباشد.^۱

از جمله علل، می توان بعد زمانی ما را از مرحله نخست ادوار فقه اسلامی یعنی عصر تشریح که از زمان بعثت تا وفات پیامبر است به شمار آورد.

در نتیجه انسان به تنهایی در برابر بسیاری از امور، وظیفه خود را دقیقاً درک نمی کند. وقتی انسان حکم شرعی واقعه را نداند که کدام یک از احکام پنج گانه وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه است، چگونه می خواهد وظیفه خود را دریابد تا بر طبق آن عمل نماید؟

بنابراین بسیار ضروری است که علمی پدید آید و در صدد تعیین وظیفه‌ی شرعی انسان باشد، و انسان را در شناخت احکام و وظایف شرعی از روی دلیل یاری دهد. از این جا بود که علم فقه پدید آمد تا عهده دار این مسئولیت مهم شود. و کار فقیه این است که برای وظایف فردی، اجتماعی، تجاری و دینی انسان، دلیل می آورد، و این کار فقیه در اصطلاح علمی « عمل استنباط » نامیده می شود، و منظور از آن، استنباط حکم شرعی است. پس فقه، یعنی آشنایی با دلیل بر تعیین وظیفه شرعی انسان در برابر هر حکم و واقعه. و وظیفه شرعی، یعنی نحوه‌ی رفتاری که تبعیت از دین، انسان را به آن وادار می کند تا بر طبق آن عمل کند. آن گاه علم فقه گسترش می یابد، و با فزونی وقایع و رویدادها؛ استنباط ها نیز گسترده می شود، و برای تعیین تکلیف در هر واقعه‌ای استنباط خاصی لازم به نظر می رسد. ولی گو این که استنباط های بسیاری در علم فقه وجود دارد، اما همه‌ی آنها از عناصر یکسان و قوانین کلی همگونی برخوردارند که از مجموع آن اصول و قوانین، پایه‌های اساسی استنباط شکل می گیرد، مثل عنصر حجیت ظهور، و حجیت خبر واحد یا حجیت اجماع و امثال آن. شکل گیری این عناصر مشترک در استنباط موجب شد تا علم خاصی پیدا شود که پیرامون آن به بررسی بپردازد، و آنها را برای به کارگیری در علم فقه آماده سازد، و آن علم اصول بود. بر این اساس می توان علم اصول را چنین تعریف کرد: « علم آشنایی با عناصر مشترک در مسیر استنباط حکم شرعی ».^۲

۱. امام خمینی، مکاسب محرمة، ج ۱، ۱۳۸۳، ص ۸.
 ۲. جناتی، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، ۱۳۷۴، ص ۱۰.

فصل اول:

کلیات و مفاهیم اساسی